

معیارهایی برای ارائه و ارزیابی فرضیه‌ها در پژوهش‌های کتابداری

دکتر مرتضی کوبی^۱

چکیده

فرضیه‌ها یا پرسش‌های پژوهش از ارکان اصلی یک پژوهش به‌شمار می‌روند. علی‌رغم اهمیت فرضیه، برخی بر این باورند که فرضیه همیشه لازم نیست. بررسی فرضیه‌های به‌کار رفته در برخی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری نشان می‌دهد که این فرضیه‌ها با توجه به معیارهای متداول ارزیابی فرضیه‌ها درست هستند، اما با در نظر گرفتن معیاری (معیارهایی) که در این نوشته مورد بررسی قرار خواهد گرفت این پرسش مطرح می‌شود که: (۱) آیا اصولاً این فرضیه‌ها لازم‌اند؟ به عبارت دیگر، با وجود پرسش‌های پژوهش، نیاز به ارائه فرضیه هست؟ و (۲) اگر این فرضیه‌ها لازم‌اند، فرضیه‌هایی درست و منطقی هستند یا نه؟ بنابراین، آنچه در زیر می‌آید بر آن است تا اولاً بررسی کند که آیا در همه موارد فرضیه لازم است و ثانیاً معیاری (معیارهایی) برای ارزشیابی فرضیه‌ها، افزون بر آنچه معمولاً در کتاب‌های روش پژوهش درباره ارزیابی فرضیه‌ها داده می‌شود، ارائه کند. همچنین با بررسی برخی فرضیه‌هایی که در برخی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری آمده است روشن کند که این فرضیه‌ها تا چه اندازه از ارزش برخوردارند.

کلیدواژه‌ها

فرضیه، نظریه، ارزیابی فرضیه، فرضیه در کتابداری، معیارهای ارزیابی فرضیه‌ها

مقدمه

در صورت امکان کار پژوهش را با ساختن فرضیه آغاز کند، زیرا در پژوهش فرضیه ابزار مهمی است که جهت را به پژوهشگر نشان می‌دهد و به همین دلیل در بیشتر بررسی‌ها طرح پژوهشی بر محور فرضیه‌ای آزمایشی

فرضیه‌ها یا پرسش‌های پژوهش از ارکان اصلی یک پژوهش به‌شمار می‌روند. در اهمیت فرضیه، کومار^۲ چنین می‌نویسد: «تصور عموم بر این است که پژوهشگر باید

۱. دانشیار کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز kokabi80@yahoo.com

2. Kumar

بنا می‌شود. پژوهشگری که تصویری از مسئله واقعی پژوهش دارد، معمولاً یک یا چند فرضیه هم در ذهن خواهد داشت.» (۴: ۳۲۵). حافظنیا نیز در توضیح اهمیت فرضیه این‌گونه می‌نویسد: «فرضیه‌ها ضمن اینکه برای پیگیری و انجام دادن امور تحقیق به‌طور کلی به محقق جهت می‌دهند باعث می‌گردند که نخست، مطالعه منابع و ادبیات مربوط به تحقیق جهت‌دار شود و از مطالعه منابعی که ربطی به پژوهش ندارند جلوگیری به‌عمل آید. دوم، پژوهشگر را نسبت به جنبه‌های موقعیتی و معنی‌دار مسئله پژوهش حساس‌تر می‌نماید. سوم، فرضیه باعث می‌شود تا محقق مسئله پژوهش را بهتر درک کند و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات را بهتر تعیین نماید. چهارم، فرضیه چارچوبی برای تفسیر اطلاعات جمع‌آوری شده و نتیجه‌گیری از آن ارائه می‌دهد.» او به این نتیجه می‌رسد که «...تحقیقات علمی از هر نوعی که باشند نیاز به تدوین فرضیه دارند...» (۲: ۱۱۱). اگرچه در سطور بعدی این نوشته، مفهوم جمله آخر حافظنیا مورد بررسی قرار خواهد گرفت، با توجه به عبارات بالا روشن می‌شود که فرضیه نقشی اساسی در روند پژوهش دارد و مانند چراغی راه پژوهشگر را تا انتهای پژوهش روشن می‌کند.

علی‌رغم اهمیت فرضیه، برخی بر این باورند که فرضیه همیشه لازم نیست. کومار در پاسخ به سؤال «آیا همیشه فرضیه لازم است؟» وجود فرضیه‌ها را همیشه ضروری نمی‌داند و مواردی را نام می‌برد که در آنها نیازی به تدوین فرضیه نیست، مانند مطالعاتی

که به منظور بررسی وضعیت پدیده‌ای انجام می‌گیرد، پژوهش‌های پیمایشی توصیفی که با هدف بررسی وضعیت انجام می‌شود، پژوهش‌های اکتشافی، و پژوهش‌های کاملاً توصیفی (۴: ۶-۳۲۵). او در ادعای خود تا این اندازه پیش می‌رود که می‌نویسد: «در کشورهای عقب‌مانده اصولاً زمینه‌ای برای ارائه فرضیه‌های رسمی در پژوهش‌های اکتشافی وجود ندارد» و در همین مورد، باز هم بر این باور است که «... بیان فرضیه‌ای رسمی در این پژوهش‌ها می‌تواند موجبات ناراحتی پژوهشگر را فراهم آورد و مانع پیشرفت کارش شود. در پژوهش‌های اکتشافی هر قدر اندیشه‌هایی که قبلاً پژوهشگر به آنها اندیشیده کمتر باشد، بهتر است و خوب است برای پرهیز از سوگیری پژوهشگر، روابط بین متغیرها پیش‌بینی نشود» (۴: ۷-۳۲۶). او در همان‌جا سؤالات پژوهش را جایگزین فرضیه‌ها در پژوهش‌های پیمایشی توصیفی می‌شمارد.

بررسی برخی فرضیه‌های به‌کار رفته در بعضی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری نشان می‌دهد که این فرضیه‌ها با توجه به معیارهای متداول ارزیابی فرضیه‌ها، فرضیه‌هایی درست هستند، اما با در نظر گرفتن معیاری (معیارهایی) که در این نوشته مورد بررسی قرار خواهد گرفت این پرسش‌ها طرح می‌شود که: (۱) آیا اصولاً این فرضیه‌ها لازم‌اند یا به عبارت دیگر، با وجود پرسش‌های پژوهش، نیاز به ارائه فرضیه هست؟ (و ۲) اگر این فرضیه‌ها لازم‌اند، آیا فرضیه‌هایی درست و منطقی هستند یا نه؟

بنابراین، آنچه در زیر می‌آید بر آن است تا اولاً بررسی کند که آیا در همه موارد، فرضیه لازم است و ثانیاً معیاری (معیارهایی) برای ارزشیابی فرضیه‌ها، افزون بر آنچه معمولاً در کتاب‌های روش پژوهش درباره ارزیابی فرضیه‌ها داده می‌شود ارائه کند. همچنین با بررسی برخی فرضیه‌هایی که در برخی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری داده شده‌اند روشن کند که این فرضیه‌ها تا چه اندازه از ارزش برخوردارند.

آیا فرضیه‌ها همیشه لازم‌اند؟

در بالا برخی از انواع پژوهش‌هایی که در آنها فرضیه مورد نیاز نیست مورد بحث قرار گرفت، اما آنچه در زیر می‌آید بر آن است تا نشان دهد که افزون بر موارد بالا، ممکن است موارد دیگری نیز وجود داشته باشد که در آنها فرضیه‌ها لازم نیستند. مواردی که مطرح شده، همان‌گونه که در بالا نیز ذکر شد، از برخی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری گرفته شده و به دلیل رعایت نزاکت علمی از ذکر منابع مربوط خودداری می‌شود. همچنین نگارنده، بنا به ضرورت و با هدف اصلاح، در شکل ظاهری برخی پرسش‌ها و نیز فرضیه‌های پژوهش دست برده بدون آنکه در مفهوم آنها تغییری ایجاد کند:

پژوهشگری در میان پرسش‌های پژوهش رساله کارشناسی ارشد خود این پرسش‌ها را مطرح کرده است:

۱. در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز بیشترین استنادها به کدام یک از انواع مواد

است: کتاب، مجله، پایان‌نامه، گزارش؟
۲. در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز به چه زبان‌هایی بیشتر استناد شده و به‌طور کلی زبان مواد مورد استناد در این مجله کدام است؟

همین پژوهشگر در بخش فرضیه‌ها دو فرضیه زیر را در میان فرضیه‌های خود دارد:
۱. در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز بیشتر استنادها به کتاب است تا شکل‌های دیگر مواد مکتوب نظیر مجلات علمی، پایان‌نامه، و گزارش.

۲. در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز زبان مواد مورد استناد انگلیسی است تا زبان فارسی یا سایر زبان‌ها.

اکنون بررسی می‌کنیم که در مورد بالا آیا به فرضیه نیاز هست یا خیر. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا پژوهشگر می‌داند که مثلاً در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز به چه زبان‌هایی بیشتر استناد شده است یا نه. برای این پرسش دو پاسخ محتمل است: ۱) او پاسخ را نمی‌داند، در این صورت تنها پرسش پژوهش را مطرح می‌کند و امیدوار است که در انتهای پژوهش، پاسخ را بیابد؛ و ۲) او به هر دلیلی احتمال می‌دهد که پاسخ را می‌داند اما از آنجا که در این مورد مطمئن نیست آن را در قالب یک فرضیه بیان می‌کند. به عبارت دیگر، میزان آگاهی او نسبت به مجهول، در مورد

دوم بیشتر از مورد اول است، یعنی پاسخی را که می‌پندارد درست است در طی پژوهش آزمون می‌کند. در اینجا می‌توان پرسید که آیا در این مورد خاص، هم پرسش و هم فرضیه لازم است؟ پاسخ، به احتمال زیاد منفی است، زیرا نمی‌توان پذیرفت که پژوهشگر هم پاسخ پرسشی را می‌داند و هم نمی‌داند! این مسئله، یعنی آوردن پرسش پژوهش و فرضیه پژوهش، در برخی دیگر از پایان‌نامه‌های کتابداری نیز دیده می‌شود.

البته این نگرش در برخی کتاب‌های روش پژوهش در علوم انسانی نیز دیده می‌شود. مثلاً حافظ‌نیا در قسمت «ویژگی‌های یک فرضیه خوب»، به صراحت بیان می‌دارد که «... باید بین فرضیه‌ها و سؤال‌های ویژه یا فرعی تحقیق تناظر صوری و محتوایی وجود داشته باشد، زیرا تعداد و نوع سؤال‌های فرعی و فرضیه‌ها برخاسته از چارچوب نظری تحقیق است، پس باید بین آنها ارتباط منطقی وجود داشته باشد. فرضیه‌ها در واقع پاسخ‌های حدسی به سؤال‌های ویژه مربوط به تحقیق هستند» (۲: ۱۱۶). او در بیان تناظر صوری می‌نویسد:

«منظور از تناظر صوری این است که اولاً به تعداد سؤال‌های فرعی، فرضیه تدوین شود و ثانیاً هر فرضیه در مقابل سؤال مربوط به آن قرار گیرد. منظور از تناسب و تناظر محتوایی این است که معنا و مفهوم هر فرضیه با معنا و مفهوم سؤال مربوط به آن تناسب داشته باشد؛ به عبارت دیگر، فرضیه و سؤال به لحاظ محتوایی با هم ارتباط منطقی داشته باشند (۲: ۱۱۶).

مشاهده شد که استدلال حافظ‌نیا با آنچه در بالا درباره رابطه میان پرسش پژوهش و فرضیه پژوهش بیان شد اختلاف دارد. در پاسخ به استدلال حافظ‌نیا می‌توان این‌گونه دلیل آورد که بسته به میزان آگاهی پژوهشگر از مجهول مطرح شده در پرسش پژوهش یا فرضیه پژوهش، سه حالت رخ می‌دهد:

۱. او نمی‌داند رابطه میان متغیر الف و متغیر ب چیست، بنابراین، پرسش پژوهش را این‌گونه مطرح می‌کند: آیا میان متغیر الف و متغیر ب رابطه‌ای وجود دارد؟

۲. او می‌داند میان متغیر الف و متغیر ب رابطه‌ای وجود دارد ولی نمی‌تواند نوع آن را حدس بزند، بنابراین، فرضیه‌ای به این صورت تدوین می‌کند: میان متغیر الف و متغیر ب رابطه (مثلاً همبستگی) وجود دارد.

۳. او نه تنها می‌داند که میان متغیر الف و متغیر ب رابطه وجود دارد، بلکه جهت رابطه را نیز می‌تواند حدس بزند؛ بنابراین، فرضیه‌ای جهت‌دار به این صورت بیان می‌کند: میان متغیر الف و متغیر ب همبستگی مثبت / منفی وجود دارد.

در اینجا می‌توان این‌گونه استدلال کرد که بسته به میزان آگاهی پژوهشگر از مجهول مطرح در (بخشی از) پژوهش، پژوهشگر باید پرسش یا فرضیه پژوهش را بیان کند؛ به این ترتیب که در صورت عدم آگاهی از پاسخ، پرسش پژوهش طرح می‌شود؛ و در صورت امکان گمانه زنی در مورد پاسخ مسئله، فرضیه بیان می‌شود؛ و اگر جهت رابطه میان متغیرها نیز قابل حدس باشد فرضیه‌ای جهت‌دار ارائه می‌شود. بنابراین در همه موارد، فرضیه لازم

نیست.

اما در اینجا مناسب به نظر می‌رسد که در صورتی که با توجه به شرایط بالا لزوم فرضیه احساس شد، بررسی شود که فرضیه‌ها چگونه تدوین می‌شوند و چگونه باید آنها را ارزیابی کرد.

فرضیه‌ها چگونه تدوین می‌شوند؟

پاول^۳ در چگونگی تکوین فرضیه می‌نویسد: «... تنظیم فرضیه در حالت مطلوب با ملاحظه یک نظریه یا به عبارت دقیق‌تر، با ملاحظه جزء یا اجزایی از یک نظریه شروع می‌شود؛ اما در مواردی نیز این فرایند، با ملاحظه مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و مشاهدات آغاز می‌گردد که پژوهشگر در صدد توضیح آنهاست. این توضیح یا فرضیه بیشتر به شکل عبارتی نوشته می‌شود که مبین روابط ممکن بین دو یا چند متغیر است» (۱: ۵۸). در سایر کتاب‌های روش پژوهش نیز کمابیش دیدگاه‌های مشابهی در این مورد دیده می‌شود. باید توجه داشت که فرضیه عمدتاً یا از یک نظریه استخراج می‌شود یا از مشاهده مجموعه‌ای از واقعیات یا مشاهدات به دست می‌آید. دیانی از جمله کسانی است که فرضیه مستخرج از نظریه را ارزشمندتر می‌داند و در اثبات درستی پندار خود، عبارتی را از راسل^۴ به شرح زیر نقل می‌کند: «در وضع کنونی علم، هیچ امر و فرضیه‌ای را نمی‌توان به صورت مجرد در نظر گرفت، بلکه هر جزئی در طرح کلی معرفت علمی جای می‌گیرد و معنی‌داری یک امر نیز نسبت به همین مجموعه کلی

سنجیده می‌شود» (۳: ۹). دیدگاه پاول نیز که در آغاز همین قسمت ذکر شد در این زمینه با دیانی یکی است. کومار نیز به هنگام بیان منابع فرضیه‌ها، در حالی که دانش، بصیرت و تخیل؛ مطالعه وسیع؛ آشنایی با روش‌های جاری و موجود؛ نیازهایی که در حوزه و رشته علمی مطرح است؛ تماس بی‌واسطه با داده‌های مربوط؛ یافته‌های تحقیقات پیشین؛ نتایج ضمنی مطالعه در دست اجرا؛ نظریه؛ مطالعات آزمایشی یا اکتشافی؛ تعقل قیاسی؛ خلافیت و کشف و شهود؛ تجربه‌های گذشته و مرور بر مطالعات پیشین و مطالعه آزمایشی؛ ذهن هوشیار و انتقادی؛ و پایداری را از منابع فرضیه‌ها می‌شمرد، نظریه را یکی از مناسب‌ترین و در عین حال منطقی‌ترین منابع فرضیه می‌داند و مدعی است که می‌توان نظریه را نوعی فرضیه وسیع یا مجموعه‌ای از فرضیه‌های فرعی دانست (۴: ۳۳۰).

از آنجا که در کتابداری به نظر نمی‌رسد تاکنون نظریه یا نظریه‌های بنیادی یافت شده باشد که بتوان از آن‌ها فرضیه‌هایی استخراج کرد، می‌توان استدلال کرد که فرضیه‌های مورد استفاده در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد عمدتاً از حالت دوم، یعنی از ملاحظه مجموعه‌ای از واقعیات‌ها و مشاهدات آغاز می‌شود.

در زیر برخی از فرضیه‌هایی که در چند پایان‌نامه کارشناسی کتابداری داده شده، بررسی خواهد شد. هدف، مقایسه آنها با معیارهایی است که معمولاً در کتاب‌های روش پژوهش درباره ارزیابی فرضیه‌ها نوشته

می‌شود تا روشن شود که این فرضیه‌ها تا چه اندازه با این معیارها همخوانی دارند و آیا معیار/های دیگری نیز وجود دارد که هنگام تدوین فرضیه‌ها باید به آنها توجه شود.

چند فرضیه برگرفته از چند پایان‌نامه کتابداری

چند فرضیه زیر از تعدادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری در چند دانشگاه گرفته شده است، اما همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد به دلیل رعایت نزاکت علمی از ذکر منابع مربوط خودداری می‌شود. همچنین در موارد لازم، اصلاحاتی از سوی نگارنده در بعضی از فرضیه‌ها انجام شده است بدون اینکه در معانی فرضیه‌ها تغییری به وجود آمده باشد:

۱. در دانشگاه‌های تمام‌وقت تحت پوشش وزارت فرهنگ و آموزش عالی بین انواع خدمات مرجع در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های واجد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی و دانشگاه‌های فاقد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

۲. بین رفتار اطلاع‌یابی استادان، دستیاران، و کارورزان دانشگاه علوم پزشکی اهواز با یکدیگر اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

۳. نویسندگان مقالات مجله علمی کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز در نگارش مقالات خود بیشتر از مجلات استفاده می‌کنند تا انواع دیگر منابع.

۴. در مجله علوم اجتماعی و انسانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز بیشتر استنادها به کتاب است تا فرم‌های دیگر مواد مکتوب نظیر مجلات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها.

فرضیه‌های بالا نخست با ویژگی‌های یک فرضیه خوب از دید کتاب‌های روش پژوهش در کتابداری و آنگاه با معیاری که در این نوشته پیشنهاد می‌شود مقایسه خواهند شد.

ویژگی‌های یک فرضیه خوب از دید کتاب‌های روش پژوهش در کتابداری

کلیه کتاب‌های روش پژوهش، که برای نگارش این نوشته مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ویژگی‌هایی کمابیش یکسان برای یک فرضیه خوب ارائه کرده‌اند، اما به دلیلی که شرح آن خواهد آمد، در اینجا ویژگی‌های یک فرضیه مطلوب از دید پاول مورد مذاقه قرار می‌گیرد:

«یک فرضیه مناسب علاوه بر ارائه ساده‌ترین توضیح ممکن برای یک پدیده خاص، ویژگی‌های دیگری نیز باید داشته باشد که موارد زیر از آن جمله‌اند:

۱. قابلیت تعمیم یا جهانی بودن.^۵ فرضیه‌ای که این ویژگی را دارد بر بیش از یک موقعیت منطبق است. هر چند که از طرف دیگر، فرضیه معتبر فرضیه‌ای است که اصولاً برای یک موقعیت ویژه ارائه می‌شود.

۲. سازگاری با دانش موجود. فرضیه هنگامی قابلیت تعمیم دارد که براساس یافته‌های پژوهش‌های دیگر بنا شده باشد. فرضیه نباید

مجزا از پیکره گسترده دانش باشد.

۳. آزمون‌پذیری^۶. مهم‌ترین ویژگی فرضیه، قابل آزمون بودن آن به‌طور تجربی است. فرضیه، صرف‌نظر از سایر ویژگی‌ها، اگر به‌خوبی قابل آزمون نباشد، ارزش چندانی ندارد یا حتی به‌کلی فاقد ارزش است. حتی می‌توان گفت که فرضیه باید نحوه آزمون خود را به‌طور ضمنی بیان کند.

۴. تغییرناپذیری^۷. به بیان ساده، رابطه مطرح شده در یک فرضیه نباید در طول یک فاصله زمانی معقول تغییر یابد.

۵. علیت^۸. یک فرضیه مطلوب بیانگر رابطه‌ای است که ماهیت علی دارد (به این معنی که متغیر یا متغیرهای مستقل، سبب ایجاد یک یا چند متغیر وابسته می‌شوند). بسیاری از پژوهشگران معتقدند که فرضیه باید دارای خاصیت پیش‌بینی‌کنندگی باشد. طبق نظر هیلوی^۹ «یکی از ملاک‌های سودمندی که می‌توان براساس آن در مورد نظریه (که فرضیه نیز بخشی از آن است) قضاوت کرد، موفقیت در امر پیش‌بینی است» (۶: ۴-۶۳).

البته مورد پنجم در علوم انسانی و اجتماعی و از جمله کتابداری نمی‌تواند همیشه صادق باشد. پاول نیز در ادامه به همین نکته اشاره دارد: «متأسفانه در علوم اجتماعی در اغلب موارد تنظیم فرضیه‌ای که به لحاظ ماهوی علی یا پیش‌بینی‌کننده باشد، امکان‌پذیر نیست. پژوهشگران علوم اجتماعی در بسیاری از موارد ناچار می‌شوند به ارائه فرضیه‌هایی از نوع همبسته کفایت کنند که

این فرضیه‌ها به جای رابطه علت و معلولی، بیانگر رابطه همبستگی بین دو یا چند متغیر هستند» (۱: ۴-۶۳).

همان‌گونه که در بالا ذکر شد تمامی کتاب‌های روش پژوهش مورد بررسی در این نوشته ویژگی‌هایی کمابیش یکسان برای یک فرضیه مطلوب ارائه داده‌اند، اما تنها پاول است که به‌عنوان اولین ویژگی، تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن را مطرح می‌کند. البته برخی از کتاب‌های مورد بررسی به‌گونه‌ای غیرمستقیم و نه لزوماً در ارتباط با فرضیه، به این نکته پرداخته‌اند. کومار در زیر عنوان فرعی «ضوابط داوری درباره یک فرضیه خوب» به تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن اشاره‌ای نمی‌کند، اما زیر عنوان فرعی «فرضیه، نظریه، قانون و اصول بدیهی» نیاز به تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن فرضیه را به‌گونه‌ای غیرمستقیم به شرح زیر، بیان می‌کند:

«به‌طورکلی فرایند پژوهش چهار مرحله پی‌درپی را دربرمی‌گیرد که ما آنها را تنظیم فرضیه، نظریه، قانون، و اصول بدیهی می‌نامیم (همه این موارد لزوماً در هر پژوهش وجود ندارند). ... در نخستین مرحله تحقیق فرضیه (که تعمیقی آزمایشی یا گمانی هوشمندانه است) تنظیم می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد (در پرتو واقعیت‌ها آزمون می‌شود)، و چنانچه تأیید شد، تبدیل به نظریه می‌شود. هر گاه نظریه‌ای تأیید شد و تشخیص داده شد که مطلوب و قانع‌کننده است، قبول عام می‌یابد و در مراحل بعدی برای شرح و تفسیر

6. Testability

7. Invariability

8. Causality

9. Hillway

و پیش‌بینی‌های آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد و در این سیر تحول، نظریه تبدیل به قانون می‌شود. چنانچه قانون مورد پذیرش عموم قرار گرفت، در برخی مراحل تبدیل به واقعیت می‌شود و واقعیت‌ها خود مبنای فرضیه‌ها می‌شوند. بنابراین علم با واقعیت‌ها آغاز می‌شود و با آنها نیز پایان می‌یابد. هر چند برای هیچ‌یک از مراحل بالا پایان روشنی نمی‌توان قائل شد» (۴: ۶-۳۳۵).

به این ترتیب کومار نیز می‌پذیرد که فرضیه باید بالقوه، خاصیت تبدیل به نظریه، قانون و حتی اصل را داشته باشد.

اکنون چهار فرضیه بالا را با توجه به ویژگی اول در ویژگی‌های مطلوب یک فرضیه مورد بررسی قرار می‌دهیم و می‌پرسیم که آیا در فرضیه اول یعنی: «در دانشگاه‌های تمام وقت تحت پوشش وزارت فرهنگ و آموزش عالی بین انواع خدمات مرجع در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های واجد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی و دانشگاه‌های فاقد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی اختلاف معنی‌دار وجود دارد». خاصیت تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن تا چه اندازه دیده می‌شود. در این زمینه می‌توان پرسش زیر را مطرح کرد: در کدام کشور به جز ایران دانشگاه‌هایی وجود دارند که تحت پوشش وزارت فرهنگ و آموزش عالی آن کشور نیستند؟ در مورد فرضیه دوم یعنی «بین رفتار اطلاع‌یابی استادان، دستیاران، و کارورزان دانشگاه علوم پزشکی اهواز با یکدیگر اختلاف معنی‌داری وجود دارد» نیز می‌توان میزان «تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن» آن را با طرح این پرسش

اندازه گرفت که آیا امکان دارد در همه جای جهان بین رفتار اطلاع‌یابی استادان، دستیاران، و کارورزان دانشگاه‌های علوم پزشکی، اگر این دانشگاه‌ها از سایر دانشگاه‌ها جدا باشند اختلاف معنی‌داری وجود داشته باشد؟ بررسی دو فرضیه ۳ و ۴ در بالا، یعنی «نویسندگان مقالات مجله علمی کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز در نگارش مقالات خود بیشتر از مجلات استفاده می‌کنند تا انواع دیگر منابع» و «در مجله علمی اجتماعی و انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز بیشتر استنادها به کتاب است تا شکل‌های دیگر مواد مکتوب نظیر مجلات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها، و غیره» میزان جهانی بودن دو فرضیه را تا حدودی مشخص می‌کند. در این موارد نیز می‌توان پرسید که آیا در حالی که در دو شهرستان ایران رفتار اطلاع‌یابی نویسندگان دو مجله علمی با یکدیگر تا این اندازه متفاوت است که گروهی از کتاب و گروهی دیگر از مجله در این زمینه استفاده می‌کنند چگونه هریک از این دو فرضیه می‌توانند خاصیت «تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن» داشته باشند؟ پرسشی که در مورد هریک از این چهار فرضیه می‌توان مطرح کرد این است که آیا هیچ‌یک از این فرضیه‌ها بالقوه می‌توانند به نظریه، قانون، و سرانجام به اصل تبدیل شوند؟

نکته‌ای که در این مورد درخور تعمق است این است که حتی برخی از فرضیه‌هایی که در بعضی از کتاب‌های روش پژوهش به عنوان فرضیه‌های نسبتاً خوب معرفی شده‌اند فاقد خاصیت تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن هستند.

کومار در فصل مربوط به پژوهش تاریخی در کتاب خود از سه فرضیه، که آنها را «نسبتاً خوب» می‌شمارد، به شرح زیر نام می‌برد:

«(۱) تلاش‌های رانگاناتان در هند منجر به بنیان‌گذاری آموزش کتابداری به منزله یک حرفه شد،

(۲) مارگارت کروین^{۱۰} نقش زنان را در انجمن‌های کتابداری مورد بررسی قرار داد و فرضیه‌های وی چنین بود:

الف. بین سال‌های ۱۸۷۶ و ۱۹۲۳ در هند، تقسیم پست‌های مدیریتی در انجمن‌های ملی با نسبت زنان و مردان شاغل در حرفه کتابداری متناسب نبوده است.

ب. هر چند خانم‌ها متناسب با قابلیت‌هایی که در این حرفه از خود نشان داده‌اند، در انجمن‌های محلی و ایالتی، پست‌های مدیریتی داشته‌اند، لیکن در سطح ملی بین توانایی‌ها و مسئولیت‌های ایشان تناسبی وجود نداشته است» (۵: ۷-۷۶).

اکنون همان پرسش‌هایی را که در مورد چهار فرضیه پایان‌نامه‌های کتابداری طرح کردیم در مورد فرضیه‌های مندرج در کتاب کومار نیز طرح می‌کنیم. در مورد فرضیه اول کومار، شاید بتوان پذیرفت که افرادی هستند که در سطح جهان در پیشبرد رشته یا حرفه‌ای خاص مؤثر بوده‌اند، اما آیا می‌توان پذیرفت که در همه جای جهان تقسیم پست‌های مدیریتی در انجمن‌های ملی با نسبت زنان و مردان شاغل در حرفه کتابداری متناسب نبوده است؟ آیا فرضیه ب نیز می‌تواند تعمیم‌پذیر یا جهانی باشد؟

بررسی روش دیگری برای تدوین فرضیه‌ها

همان‌گونه که در بالا مشاهده شد نویسندگان کتاب‌های روش پژوهش، یکی از روش‌های تدوین فرضیه‌ها را مطالعه پژوهش‌های پیشین یا ملاحظه مجموعه‌ای از واقعیات و مشاهدات می‌دانند. پاول در این مورد می‌نویسد: «... اما در مواردی نیز این فرایند [تدوین فرضیه]، با ملاحظه مجموعه‌ای از واقعیات و مشاهدات آغاز می‌گردد که پژوهشگر درصدد توضیح آنهاست» (۱: ۵۸). کومار نیز به هنگام بیان «منابع فرضیه‌ها»، «یافته‌های تحقیقات پیشین» را یکی از منابع تدوین فرضیه‌ها می‌داند (۴: ۳۳۰). در این موارد نیز نمی‌توان همیشه فرضیه داد. برای نمونه اگر پژوهشگری در پیشینه پژوهش خود درباره کتابخانه‌های آموزشی استانی خاص، به این نتیجه برسد که مثلاً بودجه تمام کتابخانه‌های آموزشی در ایران ناکافی است آیا می‌تواند این فرضیه را برای پژوهش خود ارائه کند که: بودجه کتابخانه‌های آموزشی در استان تحت بررسی پژوهش او نیز ناکافی است؟ حتی اگر این پژوهشگر با درصد بالایی از احتمال، این نکته را بپذیرد باز هم نمی‌تواند چنین فرضیه‌ای ارائه کند، زیرا امکان دارد که حتی یک آموزشگاه از بودجه مناسبی برخوردار باشد. از سوی دیگر، اگر چنین نکته‌ای درست باشد یعنی او در پایان پژوهش خود باز هم به این نتیجه برسد که در استان تحت بررسی او هم کتابخانه‌های آموزشی از

بودجه کافی برخوردار نیستند، آیا پژوهشگر پس از او می‌تواند این فرضیه را مطرح کند که تمام کتابخانه‌های آموزشی ایران از بودجه کافی برخوردار نیستند؟ آیا این فرضیه قابلیت تبدیل به نظریه را دارد؟ آیا در همه نقاط جهان کتابخانه‌های آموزشی از بودجه‌ای ناکافی برخوردارند؟ پاسخ، منفی است و، در نتیجه، این فرضیه قابلیت جهانی شدن یا تعمیم پذیری را ندارد.

نکته‌ای که بررسی آن می‌تواند سودمند باشد این است که ارائه چنین فرضیه‌هایی گاهی می‌تواند زیانبار نیز باشد، زیرا از ارائه فرضیه‌های عمیق‌تر و جهانی‌تر جلوگیری می‌کند. مثلاً در پژوهشی در مورد کتابخانه‌های آموزشی در ایران، نمی‌توان فرضیه‌ای چنین ارائه کرد: بودجه کتابخانه‌های آموزشی در ایران ناکافی است. زیرا اولاً معلوم نیست این ادعا حتی در ایران هم درست باشد و ثانیاً این فرضیه خاصیت تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن را ندارد. اما اگر بپذیریم که ناکافی بودن بودجه کتابخانه‌های آموزشی در ایران ناشی از نظام آموزش و پرورش کشور است که بیشتر کتاب‌محور، جزوه‌محور، و معلم‌محور است و به آموزش از طریق آموزش فردی و پژوهش اعتقادی ندارد، می‌توان فرضیه‌ای به این صورت بیان کرد که «میان نظام آموزش و پرورش هر کشور با وضعیت کتابخانه‌های آموزشی رابطه وجود دارد». فرضیه‌های دیگری نیز در این رابطه می‌توان مطرح کرد «هرچه نظام آموزش و پرورش یک کشور، پژوهش‌مدارتر باشد، بودجه کتابخانه‌های

آموزشگاهی آن کشور مناسب‌تر است». به این ترتیب، راه برای انجام پژوهش‌های بنیادی در حوزه کتابداری که بسیار مورد نیاز است، بازتر می‌شود.

آنچه در این مورد می‌توان مطرح کرد این است که ملاحظه مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و مشاهدات و مطالعه یافته‌های تحقیقات پیشین روش درستی برای تدوین فرضیه‌هاست؛ مشروط بر این که خاصیت تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن بالقوه فرضیه‌های پیشنهادی مدنظر قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنچه در بالا مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که در مواردی از پژوهش‌های کتابداری، حتی افزون بر مواردی که معمولاً در کتاب‌های روش پژوهش در مورد عدم نیاز به فرضیه بحث می‌شود، نیازی به ارائه فرضیه نیست. در این موارد، پرسش‌های پژوهش، وظیفه فرضیه‌های پژوهش را انجام می‌دهند. اینها عبارت هستند از: مواردی که در آنها پژوهشگر، علی‌رغم اینکه پیشینه پژوهش را به دقت بررسی کرده و نیز با توجه به قرائن و شواهد دیگر، نمی‌تواند هیچ پاسخ یا رابطه‌ای برای مسئله پژوهش حدس بزند.

پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران کتابداری در پژوهش‌های خود به هنگام تدوین فرضیه‌ها (ها) به نکات زیر توجه کنند:

۱. فرضیه‌ها در همه موارد لازم نیستند. کومار در کتاب خود در زیر عنوان فرعی «فرضیه‌ها در چه مواردی لازم نیستند؟»

می‌نویسد «در مطالعاتی که به منظور بررسی وضعیت پدیده‌ای انجام می‌گیرد»، در «پژوهش‌های پیمایشی توصیفی که با هدف بررسی وضعیت انجام می‌شود»، «پژوهش‌های اکتشافی»، و «پژوهش‌های کاملاً توصیفی» فرضیه‌ها لازم نیستند (۴: ۳۲۶).

۲. اگر معلومات پژوهشگران در مورد مسئله پژوهش خود به گونه‌ای است که هیچ پاسخ یا رابطه‌ای را نمی‌توانند پیش‌بینی کنند، تنها به ارائه پرسش‌های پژوهش بسنده کنند. در موارد بسیاری، پرسش‌های پژوهش می‌توانند وظیفه فرضیه‌ها را انجام دهند. کومار معتقد است که «در پژوهش‌های پیمایشی توصیفی که با هدف بررسی وضعیت انجام می‌شود، فرضیه‌ها ضرورت بنیادی ندارند و به جای ساختن فرضیه‌ها می‌توان با تنظیم سؤالات پژوهش، تحقیق را انجام داد» (۴: ۳۲۶).

۳. پژوهشگران در صورتی که ملاحظه مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و مشاهدات و مطالعه یافته‌های تحقیقات پیشین و یا هر قرینه یا شاهد دیگری امکان ارائه پاسخ یا رابطه‌ای را به صورت فرضیه فراهم ساخت، میزان تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن فرضیه پیشنهادی خود را تا حد امکان بررسی کنند. اگر به هر دلیلی این میزان را بالا ارزیابی کردند، آنگاه به ارائه فرضیه مبادرت کنند و در غیر این صورت با ارائه پرسش‌های پژوهش، پژوهش را انجام دهند و

۴. به این نکته توجه داشته باشند که در مواردی، خودداری از ارائه فرضیه‌هایی که قابلیت تعمیم‌پذیری یا جهانی بودن را

ندارند ممکن است به ارائه فرضیه‌هایی بسیار عمیق‌تر، بنیادی‌تر، و جهانی‌تر منجر شود.

منابع

۱. پاول، رونالد ار. *روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران*. ترجمه نجلا حریری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی، ۱۳۷۹.

۲. حافظ‌نیا، محمدرضا. *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲.

۳. راسل، برتراند. *جهان‌بینی علمی*. ترجمه حسن منصور. تهران: آگاه، ۱۳۶۰. به نقل از: دیانی، محمدحسین. *روش‌های تحقیق در کتابداری*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

۴. کومار، کریشان. *روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه فاطمه رها دوست؛ با همکاری فریبرز خسروی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.

5. Corwin, Margaret A. "An investigation of female leadership in regional, state, and local library associations, 1876-1923". *Library Quarterly*, No. 44 (1974): 133-144. Quoted in

کومار، کریشان. *روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه فاطمه رها دوست؛ با همکاری فریبرز خسروی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.

6. Hillway, Tyrus. *Introduction to research*. 2nd ed. Boston, MA: Houghton Mifflin, 1964. Quoted in

پاول، رونالد ار. *روش‌های اساسی پژوهش برای*

کتابداران. ترجمهٔ نجلا حریری. تهران: دانشگاه آزاد
اسلامی، مرکز انتشارات علمی، ۱۳۷۹.

